

## Quran and Hadith Studies

Bi-quarterly Journal of Quran and Hadith Studies, Research Article,

Vol. 14, No. 2, (Serial. 28), Summer 2021

<https://qhs.journals.isu.ac.ir/>

<https://isu.ac.ir/>

### The modernist current of understanding the Holy Quran in Tunisia; Case study: A review of Mohammad Talbi's interpretive method

DOI: 10.30497/quran.2020.14803.2897

Seyed Hassan Esmati Baygi \*

Received: 06/04/2020

abbas mosallaiypoor \*\*

Accepted: 08/01/2021

Mahdi Izadi\*\*\*

Mahmood Karimi Banandkooki \*\*\*\*

#### Abstract

The currents of understanding the Holy Quran in contemporary Tunisia are the result of the intersection of the two currents of reformism and modernity formed in the Sufi environment and it is divided into two general branches, traditionalists and modernists. Dr. Mohamed Talbi (1921-2017) a Tunisian Quranic Muslim thinker after being educated in a Sufi environment and pursuing higher education in French academic circles, relying on historical expertise and using new methods of historical, anthropological and semantic analysis, he was able to play an important role in establishing a modernist understanding of the Qur'an in contemporary Tunisia; Modernism, text-basing, interpretability and desecration of the Salafi understanding are the most important principles and his most prominent intellectual-philosophical, humanist and Orientalist tendencies in theorizing the understanding of the Qur'an. Interpretation of Qur'anic verses related to topics such as religious freedom, the Islamic Ummah, the political system, the dialogue of religions, and the beating of women are numerous in numerous Arabic and French works by Talbi. His method of understanding the Qur'an was welcomed by modernists, especially academics, but traditionalists considered his research method to be alien to the science of Islamic law.

**Keywords:** *Tunisia, Mohamed Talbi, The Method of Understanding the Qur'an, modernity, faith, Freedom.*

---

\* PhD student in Quran and Hadith, Imam Sadegh (AS) University, Tehran, Iran.  
(Corresponding Author) [esmatih@yahoo.com](mailto:esmatih@yahoo.com)

\*\* Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Imam Sadegh (AS) University, Tehran, Iran. [amusallai@gmail.com](mailto:amusallai@gmail.com)

\*\*\* Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Imam Sadegh (AS) University, Tehran, Iran. [dr.mahdi.izadi@gmail.com](mailto:dr.mahdi.izadi@gmail.com)

\*\*\*\* Associate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Imam Sadegh (AS) University, Tehran, Iran. [karimiimahmoud@gmail.com](mailto:karimiimahmoud@gmail.com)



دوفصلنامه علمی «مطالعات قرآن و حدیث»، مقاله پژوهشی، سال چهاردهم، شماره دوم (پیاپی ۲۸)، بهار و تابستان ۱۴۰۰، صص ۷۷-۱۰۱

## جریان نوگرایی فهم قرآن کریم در تونس؛

### مطالعه موردی: نقد و بررسی روش تفسیری محمد طالبی

DOI: 10.30497/quran.2020.14803.2897

سید حسن عصمتی بایگی\* تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۲/۲۶ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۹/۱۹  
عباس مصلائی پور\*\* مقاله برای اصلاح به مدت ۲۸ روز نزد نویسندگان بوده است.  
مهدی ایزدی\*\*\*\*  
محمود کریمی بناد کوکی\*\*\*

#### چکیده

جریان‌های فهم قرآن کریم در تونس معاصر حاصل تلاقی دو جریان اصلاح‌گرایی و مدرنیته‌گرایی شکل گرفته در زیست‌محیطی صوفیانه است و به دوشاخه‌ی کلی سنت‌گرایان و نوگرایان تقسیم می‌شود. دکتر محمد طالبی (۲۰۱۷-۱۹۲۱) متفکر مسلمان قرآنی تونسی پس از تربیت در محیطی صوفیانه و گذراندن تحصیلات عالی در محافل دانشگاهی فرانسه، توانست با تکیه بر تخصص تاریخی و استفاده از روش‌های جدید تحلیل تاریخی، انسان‌شناختی و معناشناختی جایگاهی مهم در تأسیس جریان نوگرایی فهم قرآن در تونس معاصر داشته باشد. مدرنیته‌گرایی، متن محوری، تأویل‌پذیری و تقدس‌زدایی از فهم سلفی مهم‌ترین مبانی و عقلی-فلسفی، اومانستی و استشرافی برجسته‌ترین گرایش‌های او در نظریه‌پردازی فهم قرآن است. تفسیر آیات قرآنی مرتبط با موضوعاتی مانند: آزادی دینی، اُمت اسلامی، گفتگوی ادیان، نظام سیاسی و زدن زنان در آثار متعدد عربی و فرانسوی طالبی فراوان است. روش طالبی درباره‌ی فهم قرآن با استقبال نوگرایان به‌ویژه دانشگاهیان روبرو شد اما سنت‌گرایان روش پژوهشی او را بیگانه از علم الشریعة الإسلامیه دانستند.

#### واژگان کلیدی

تونس، محمد طالبی، روش فهم قرآن، مدرنیته، ایمان، آزادی.

\* دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران. (نویسنده مسئول) esmatih@yahoo.com

\*\* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران. amusallai@gmail.com

\*\*\* استاد گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران. dr.mahdi.izadi@gmail.com

\*\*\*\* دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه امام صادق(ع)، تهران، ایران. karimiimahmoud@gmail.com

این مقاله مستخرج از رساله دکتری دانشجو است.

### طرح مسئله

جایگاه تونس در ارائه‌ی رویکردهای نوین فهم قرآن کریم برای بسیاری از قرآن پژوهان ایران ناشناخته است. این مقاله برای پر کردن این خلأ علمی با اشاره‌ی کلی به جریان‌های فهم قرآن در تونس معاصر به نقد و بررسی روش تفسیری دکتر محمد طالبی<sup>۱</sup> پرداخته است؛ او برجسته‌ترین اندیشمند از نسل مؤسس جریان نوگرای فهم قرآن در تونس معاصر است. طالبی که در تونس به متفکر مسلمان و شیخ المورخین معروف است، توانست با افکار و آثار خود تأثیری عمیق بر محافل علمی دانشگاهی تونس بلکه شمال آفریقا در موضوع ضرورت بازخوانی میراث اسلامی و نقد تاریخی آن بگذارد؛ هدف اصلی او نوسازی قرآن محور اندیشه‌ی اسلامی است. پرسش‌های اصلی این نوشتار عبارت است از:

۱. انگیزه‌ی طالبی و شرایط او برای ارائه‌ی فهمی نو درباره‌ی قرآن کریم چه بوده است؟
۲. افکار طالبی در میان مسلمانان تونس از چه جایگاهی برخوردار است؟
۳. مهم‌ترین مبانی، روش‌ها و گرایش‌های او در نظریه‌پردازی فهم قرآن چیست؟
۴. وی در نظریه‌پردازی فهم قرآن بر چه نوع از موضوعات و آیات تأکید داشته است؟

### ۱. نگاهی به جریان‌های فهم قرآن کریم در تونس معاصر

تونس در شمال آفریقا که از حوزه‌های سیاسی فرهنگی پراهمیت در غرب جهان اسلام است قرار دارد (ناصری طاهری، ۱۳۷۵، ص ۱۳). این کشور در گذشته بخشی از افریقای شمالی شامل طرابلس لیبی تا طنجه‌ی مغرب و نام آن پیش از فتح اسلامی ترضیش بوده است (ابن عاشور، ۱۹۷۱، ج ۷، ص ۳۴۲).

تاریخ شکل‌گیری نخستین گونه‌های فهم قرآن در تونس به سال ۲۷ ق می‌رسد؛ زمانی که نخستین فاتحان مسلمان به این کشور وارد شدند و آموزش قرآن و فقه را به بومیان با محوریت جامع عقبه بن نافع در شهر قیروان آنگاه شهر تونس با پایگاه جامع الزيتونه آغاز کردند؛ آموزش‌هایی که در سده‌های بعدی با جریان‌های تصوف در هم آمیخت (ر.ک: عصمتی و دیگران؛ ۱۳۹۱، صص ۵۷-۷۶).

تونس با داشتن ده‌ها مفسر مانند یحیی بن سلام (د ۲۰۰ ق) و ابن عرفه تونسی (د ۸۰۳ ق) و تألیف تفاسیری متعدد مثل «التحریر و التنویر» تألیف محمد طاهر ابن عاشور (د ۱۹۷۳ م) و «تسهیل التفسیر لمُحکم آیات التنزیل» نگارش صادق بالخیرسیاری (د ۲۰۰۰ م) و داشتن قرآن

<sup>۱</sup>. Mohammad Talbi

پژوهانی چون عبدالعزیز ثعالبی (د ۱۹۴۴م)، فاضل ابن عاشور (د ۱۹۷۰م) و هشام جعیط (م ۱۹۳۵م) ظرفیت فراوانی برای پژوهش در موضوع گونه‌های گوناگون فهم قرآن دارد؛ گونه‌هایی که واقع‌گرایی، اصلاح‌طلبی و اعتدال مهم‌ترین شاخص‌های آن است.

فهم قرآن در تونس معاصر به دو جریان کلی سنت‌گرایان با رهبری بلامنازع ابن عاشور مفسر و نوگرایان با جریان سازی دکتر محمد طالبی و دکتر عبدالمجید شرفی (م ۱۹۴۲) تقسیم می‌شود. ابن عاشور را بزرگ‌ترین روح اصلاح‌طلب و بهترین نظریه‌پرداز سنت‌گرای قرن می‌داند (Talbi, 2006, p.15). طالبی و شاگرد او شرفی نیز مهم‌ترین نظریه‌پردازان فهم قرآن در اجرای پروژه‌ی نوسازی اندیشه‌ی اسلامی هستند.

تحلیل روند تطور دانش تفسیر قرآن حاکی از میزان تحول اندیشه بشری در دوران معاصر است. به گونه‌ای که پیشرفت علمی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مغرب زمین و تحول در دانش تجربی بشر در دوران مدرنیسم باعث گردید که دانش تفسیر با روندی رو به رشد و با تأثیرپذیری از دانش‌های نوین به سوی گسترش و شکوفایی گام بردارد (حاجی اسماعیلی، ۱۳۸۸، ص ۱۱۹). نگاهی کلی به تاریخ جریان نوگرایی فهم قرآن در تونس و چگونگی شکل‌گیری آن نشان می‌دهد اشغال ۷۵ساله‌ی تونس از سوی فرانسویان که با شعار «فرانسه پایه‌ی آموزش» (عبدالسلام، ۱۹۹۴، ص ۳۱) و با هدف «اصلاح ذهنیت‌ها»<sup>۱</sup> انجام شد راه را برای ورود افکار مدرن به جامعه و فرهنگ تونس هموار کرد.

یکی از پیامدهای سیاست آموزشی فرانسویان در تونس ظهور نخبگان دانشگاهی «دو زبانه» بود؛ افرادی که با فراگیری علوم جدید و کاربست ابزارهای معرفتی مدرن به اصلاح اندیشه‌ی دینی سنتی که از آن به عنوان «الإسلام الرسمي» یاد می‌کنند، گرایش یافتند؛ جریانی که بر بازخوانی میراث اسلامی به‌ویژه تفاسیر قرآنی کلاسیک تأکید دارد و فهم گذشتگان از قرآن را برای مسلمان معاصر حجت نمی‌داند؛ رویکردی نوین به فهم قرآن که با مخالفت سنت‌گرایان روبرو شد.

## ۲. شرح حال دکتر طالبی

طالبی در یک خانواده‌ی سنتی و مذهبی تونسی در ۱۶ سپتامبر ۱۹۲۱ به دنیا آمد. خانواده‌ی او پیرو طریقت قادریه و عموی وی شیخ طریقه بود (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۷). تونس در زمان رشد

<sup>۱</sup> La réforme des mentalités

و بالندگی طالبی مستعمره‌ی فرانسه و دارای دو نظام آموزشی «تعلیم المدرسی» با حمایت فرانسویان و «تعلیم الزيتونی» به رهبری جامع زیتونه بود.

او هم‌زمان با تحصیل در مدارس فرانسوی و آشنایی با علوم جدید، قرآن و زبان عربی را در خانه و کتاب (مکتب‌خانه) فراگرفت و در کتابخانه‌ی شخصی پدربزرگ خود و با راهنمایی او و عمویش با علوم اسلامی مانند تفاسیر رازی، بیضاوی و جلالین و کتب تصوف مثل مقامات حریری آشنا شد و متون کتاب‌های الفیه ابن مالک، ابن عاشر در فقه و الأجرومیة در نحو را حفظ کرد (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۱۶).

طالبی در خاطرات خود گفته است:

«وقتی از مدرسه و کتاب به خانه بر می‌گشتم مردمی را می‌دیدم که در حال قرائت قرآن هستند؛ ما یک خانواده نبودیم بلکه با پدربزرگ و دیگر فرزندان و نوه‌های او که تعدادی بسیار بودند در یک خانه زندگی می‌کردیم. من وقتی صبح زود بیدار می‌شدم صدای تلاوت قرآن پدربزرگ و عمویم را می‌شنیدم؛ منزل ما در نزدیکی زاویه‌ی سیدی البشیر قرار داشت و تابستان‌ها همانند یک مسجد پُراز نمازگزار بود» (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۱۶).

وی با فراگیری علمی زبان عربی در مدارس فرانسوی که به عنوان زبان دوم آموزش داده می‌شد و با رفتن به نهادهای آموزشی جدید مانند المعهد الخلدونیه که در سال ۱۸۹۷ توسط شیخ سالم بوحاجب (د ۱۹۲۴) بزرگ‌ترین مصلح زیتونی تأسیس شده بود و نیز حضور در مجالس سخنرانی شیخ محمد عربی کبادی (د ۱۹۶۱) ادیب مشهور زیتونی پایه‌های علمی لغة الضاد خود را محکم کرد؛ او گفته است:

«من با کبادی عاشق زبان عربی شدم و شیرینی آن را چشیدم» (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۱۸).

از اینجا مشخص می‌شود شخصیت فکری، اخلاقی و علمی طالبی میان سه نظام آموزشی تصوف قادری، تقلید زیتونی و مدرنیته‌ی فرانسوی شکل گرفته است؛ نظام‌های آموزشی که به دلیل تفاوت بلکه تضاد در روش‌های تربیتی موجب سردرگمی و حیرت او شدند؛ کتاب «لیطمئن قلبی» طالبی را می‌توان واکنشی علمی قرآنی به روحیه‌ی پرسشگری و دغدغه‌های وجودی ایمانی او در دوران نوجوانی و جوانی دانست.

طالبی پس از گرفتن مدرک «الشهادة العلیا فی العربیة» (D.S.A) از معهد الدراسات العلیا که توسط فرانسه راه‌اندازی شده بود، در سال ۱۹۴۵ به عنوان معلم در یکی از مدارس تونس مشغول

کار شد و در سال ۱۹۴۷ با هزینه‌ی شخصی به فرانسه رفت و در سال ۱۹۵۲ با گرفتن مدرک در رشته‌ی عربی از دانشگاه سوربن پاریس به تونس بازگشت و به تدریس زبان، ادبیات و تمدن عربی اسلامی مشغول شد.

نیاز تونس به متخصص تاریخ موجب شد توجه طالبی به علم تاریخ جلب شود؛ او توانست در سال ۱۹۶۸ از رساله‌ی دکتری خود در دانشگاه سوربن با عنوان «دولت اُغلیبان از منظر تاریخی و سیاسی» دفاع کند. تدریس تاریخ اسلامی به زبان‌های فرانسه و عربی در دانشگاه تونس و پژوهش در تاریخ قرون وسطی با تأکید بر شناخت زندگی روزانه‌ی مسلمانان شغل و دلبستگی‌های او شد (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۳۵).

تخصص طالبی در تاریخ، چشم او را به واقعیات تاریخی باز کرد؛ بینشی که موجب شد با کاربری روش‌های نقد مدرن در مطالعات اسلامی از خوانش سطحی اسلام و اهمیت دادن به شریعت و نمادهایی مانند حجاب فاصله گرفته و به پژوهش در موضوعاتی مانند ایمان و آزادی توجه کند. همکاری در تأسیس دانشگاه تونس، نخستین رئیس دانشکده‌ی ادبیات دانشگاه تونس، دبیر کلی کمیته‌ی ملی فرهنگ تونس، عضویت در محافل علمی ملی و بین‌المللی به‌ویژه در ارتباط با گفتگوی اسلام و مسیحیت و دریافت نشان‌های افتخار متعدد از تونس و کشورهای مانند فرانسه، اسپانیا، ایتالیا، آلمان و سوئد از مهم‌ترین افتخارات ثبت شده در کارنامه‌ی علمی فرهنگی طالبی است.

وی پس از انقلاب کرامت در تونس مدتی کوتاه ریاست بیت الحکمه را بر عهده داشت و در سال ۲۰۱۲ «الجمعیة الدولیة للمسلمین القرآنیین» را تأسیس کرد. این انجمن در سال ۲۰۱۵ در بیانیه‌ای اعلام کرد شُرب خمر در قرآن حرام نیست، زیرا قرآن آن را حرام ندانسته است. او در سال ۲۰۱۶ در یک برنامه‌ی تلویزیونی اظهار داشت به عنوان یک متفکر مسلمان قرآنی و نه یک مفتی معتقد است حجاب واجب نیست و روسپیگری زنان (البغاء) اگر به عنوان شغل باشد حرام نیست؛ این اظهارنظرها سر و صدای زیادی در تونس و دیگر کشورهای عرب برپا کرد و با موضع‌گیری شدید سنت‌گرایان مواجه شد.

سرانجام طالبی در ۱ می ۲۰۱۷ در شهر تونس از دنیا رفت و در آرامستان جلاز به خاک سپرده شد. رئیس جمهور تونس، حزب اسلام‌گرای النهضة و بسیاری از متفکران تونس وفات او را تسلیت گفتند. او گفته است:

«نزلتُ إلی الوجود الجزئی فی الزمان المقدر و المكان المحدد و لا أُدری  
متی سأرتفع إلی الوجود الکلی فأنقل من الحیاء المحدودة بحدود الجسد  
و المكان و الزمان الی الحیاء المطلقة و الکاملة بدون حدود «وما تُدری نفس

مَاذَا تَكْسِبُ عَدَا وَمَا تَدْرِي نَفْسُ بَائِحِي أَرْضٍ تَمُوتُ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَبِيرٌ (طالبی،  
۲۰۰۶، ص ۷).

### ۳. تألیفات طالبی

طالبی بیش از ۳۰ جلد کتاب و ده‌ها مقاله به زبان‌های فرانسه، عربی، ایتالیایی و انگلیسی از خود به یادگار گذاشته است و در تعدادی از این تألیفات به تفسیر موضوعی آیاتی از قرآن پرداخته است. او در آثار خود تلاش کرد با معرفی اسلام قرآنی به گسترش فرهنگ رواداری و احترام متقابل در میان مسلمانان با تأکید بر مشروعیت حق اختلاف معقول کمک کند و نیز راه را برای گفتگو میان اسلام و دیگر ادیان هموار سازد.

نخستین پژوهش قرآنی طالبی کتاب (Réflexions sur le Coran) در ۱۹۸۹م است که آن را با همکاری اندیشمند فرانسوی موریس بوکای (د ۱۹۹۸) نوشت. آنها در این کتاب که روی جلد آن مزین به آیه ۱۹۰ سوره‌ی آل عمران است، فهم خود از آیات مرتبط با آفرینش در قرآن را با کشفیات علوم جدید مقایسه کردند. طالبی همچنین از همکاری با موریس بوکای برای نوشتن کتاب (Coran et Ici-bas)<sup>۱</sup> که خوانشی تاریخی انسانی از قرآن است خبر داده است (طالبی، ۲۰۰۷، ص ۱۴۲) که ظاهراً موفق به نگارش آن نشده‌اند.

طالبی نخستین کتاب خود را در سال ۱۹۵۶ با موضوع لغت‌شناسی آغاز کرد و آخرین کتاب او «دلیل المسلم القرآن» است که در سال ۲۰۱۶ چاپ شد؛ این کتاب در سال ۲۰۱۷ به زبان فرانسه ترجمه و با عنوان (Dieu est amour: guide du musulman coranique) در تونس چاپ و منتشر شد؛ کتابی که موضوع آن عشق الهی با رویکردی قرآنی است. سایر آثار طالبی به شرح زیر است:

1. Al-Mukhassass d'Ibn Sīda : études et index (۱۹۵۶)<sup>۲</sup>
2. Islam en dialogue (۱۹۷۰)<sup>۳</sup>
3. Islam et dialogue, réflexion sur un thème d'actualité (۱۹۷۹)<sup>۴</sup>
4. Étude d'histoire ifrîqiyenne et de civilisation musulmane médiévale (۱۹۸۲)<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup>. قرآن و زندگی دنیا.

<sup>۲</sup>. المقاصد ابن سعید: مطالعات و فهرست‌ها.

<sup>۳</sup>. اسلام بر پایه ی گفتگو.

<sup>۴</sup>. اسلام و گفتگو، تأملی بر موضوع معاصرت.

<sup>۵</sup>. مطالعه تاریخ آفریقا و تمدن مسلمان قرون وسطی.

5. *Réflexions sur le Coran* (avec Maurice Bucaille)(۱۹۸۹)<sup>۶</sup>
6. *Études sur la tolérance*(۱۹۹۵)<sup>۷</sup>
7. عیال الله: أفكار جديدة في علاقة المسلم بنفسه و بالآخرين(۱۹۹۶)
8. أمة الوسط: الإسلام و التحديات المعاصرة(۱۹۹۶)
9. *Plaidoyer pour un islam modern*(۱۹۹۸)<sup>۸</sup>
10. الإسلام حرية و حوار(۱۹۹۹)
11. Islam, ce que vous devez savoir(۲۰۰۱)<sup>۹</sup>
12. *Universalité du Coran*(۲۰۰۲)<sup>۱۰</sup>
13. ليطمئن قلبي: قضية الإيمان(۲۰۰۷)
14. Gaza, barbarie biblique ou de l'extermination sacrée et humanism coranique(۲۰۱۰)<sup>۱۱</sup>
15. L'Islam n'est pas voile, il est culte: rénovation de la pensée musulmane<sup>۱۲</sup>(۲۰۱۰)
16. Ma religion c'est la liberté: l'islam et les défis de la contemporanéité(۲۰۱۱)<sup>۱۳</sup>
17. قضية الحقيقة(۲۰۱۵)
18. Méditation sur le Coran: vérité, rationalité, I'jaz scientifique<sup>۱۴</sup>(۲۰۱۶)
19. الصّراع اللاهوتي في القيروان أيام الأغلبة(۲۰۱۶).
20. دليل المسلم القرآني(۲۰۱۶).
21. Dieu est amour : guide du musulman coranique.(۲۰۱۷)

تألیفات طالبی نشان می‌دهد جستجوی حقیقت، موتور محرکه‌ی او در توجه به قرآن و مفاهیم آن است. او با نکوداشت ابن خلدون به عنوان «پیشتاز مدرنیته» جستجوی حقیقت را همان مدرنیته دانسته و گفته است:

<sup>۶</sup>. تأملاتی پیرامون قرآن (با موریس بوکای).

<sup>۷</sup>. مطالعاتی پیرامون رواداری.

<sup>۸</sup>. دفاع از یک اسلام مدرن.

<sup>۹</sup>. اسلام، آن چه که باید دانست.

<sup>۱۰</sup>. جهانی بودن قرآن.

<sup>۱۱</sup>. غزه، بربریت کتاب مقدس یا نابودی مقدس و انسانیت قرآنی.

<sup>۱۲</sup>. اسلام حجاب نیست بلکه عبادت است: نوسازی اندیشه مسلمان.

<sup>۱۳</sup>. دین من آزادی است: اسلام و چالش های معاصر.

<sup>۱۴</sup>. مراقبه بر اساس قرآن: حقیقت، عقلانیت، اعجاز علمی.



«ما جستجوگران حقیقت هستیم و آن را فقط در قرآن یافتیم ... به ما ثابت شد حقیقت در قرآن است و آن را پس از مراجعه به کتب مقدس و غیر مقدس فهمیدیم ... ما مدّعی مالکیت حقیقت نیستیم زیرا حقیقت مالکیت بردار نیست ... ما فتوا نمی‌دهیم» (طالبی، ۲۰۰۷، ص ۱۰).

#### ۴. جایگاه طالبی در میان متفکران آفریقا و اروپا

طالبی در جهان عرب به عنوان اندیشمندی مسلمان و مخالف سرسخت بنیادگرایی معروف است ([www.thearbweekly.com](http://www.thearbweekly.com)). او را به سبب آگاهی گسترده از متون و نوشته‌های الهیاتی یهودیت و مسیحیت از پیشروان ادبیات گفتگوی دینی در میان متفکران معاصر عرب دانسته‌اند (ولد اباه، ۱۳۹۶، صص ۷ و ۱۷۳).

مفکران تونس به‌ویژه دانشگاهیان این کشور از موافقین و مخالفین او را متفکر برجسته، شیخ المورخین و از پایه‌گذاران جریان روشنفکری دینی می‌دانند؛ جریانی که از سوی شاگردان او مانند عبدالمجید شرفی در حال فعالیت است و امروزه از نیرومندترین حلقه‌های نظریه‌پرداز نوگرایی جهان عرب است. کتاب «بحوث مُهداة إلی محمد الطالبی فی عید میلاده السبعین» با مقدمه‌ی دکتر شرفی در سال ۱۹۹۳ از سوی دانشکده‌ی ادبیات مندوبه چاپ شد.

روزنامه‌ی تونس‌ی الصریح یک روز پس از وفات او به تاریخ ۲ می ۲۰۱۷ در مقاله‌ای، طالبی را الگوی بازخوانی خوانش‌های متحجرانه از قرآن خواند و روش او را در خوانش مقاصد آیات قرآن ستود. عالمان زیتونی مانند شیخ مختار سلّامی مفتی اُسبِق تونس او را از نظر روش پژوهشی بیگانه از علم الشریعة الإسلامیه دانسته‌اند ([www.turess.com](http://www.turess.com)). عبدالفتاح مورو مغز متفکر حزب النهضة و فرید الباجی مؤسس دار الحدیث الزیتونیه در مصاحبه‌های رادیویی و تلویزیونی با حضور طالبی مخالفت شدید خود را با آراء تفسیری او در خصوص توهین به عائشه، بی‌احترامی به صحابه و حرام ندانستن شُرْب خمر و روسپیگری (البغاء) اعلام کردند. جمعیت علمای زیتونه نیز در سال ۲۰۱۷ طی بیانیه‌ای اهانت او را به عائشه همسر پیامبر ﷺ محکوم کرد.

دائرة المعارف اسلامی آکسفورد او را مورخ اسلام و متفکر اصیل اسلامی نامیده است؛ کسی که در نهادهای اسلامی و مؤسسات سکولار تحصیل کرده است ([www.oxfordreference.com](http://www.oxfordreference.com)).

قرآن پژوهان فرانسوی مانند موريس بوكای در تألیفات قرآنی خود مانند «کتاب مقدس، قرآن و علم»<sup>۱۰</sup> (۱۹۷۶) از زبان عربی و فهم او درباره‌ی قرآن استفاده کرده است و از نظر رولاندل نترل استاد شرق شناسی دانشگاه آکسفورد در مقاله «محمد طالبی در فهم قرآن»، طالبی برجسته‌ترین مسلمان متفکر مدرن در قرن بیستم است (farouki, 2004, p 225). تعدادی از آثار طالبی به زبان‌های ایتالیایی، انگلیسی، آلمانی و فارسی ترجمه شده است.

### ۵. انگیزه و شرایط تفسیر

سازگاری جهان‌بینی قرآن با یافته‌های علم جدید (حاجی اسماعیلی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۰) و ضرورت تبیین مفاهیم اساسی قرآن با کمک دستاوردهای علوم جدید (رضی خان، ۱۳۸۷، ص ۱۸۳) مهم‌ترین پیش‌فرض‌های طالبی در توجه به قرآن و تفسیر موضوعی آن است. طالبی حافظ کل قرآن بود و تا پایان عمر به محفوظات قرآنی استناد می‌کرد. او با اشاره به شرایط زیست محیط خود در کودکی که صبح و شام در آن قرآن خوانده می‌شد و با سپاس از خداوند متعال به جهت نعمت اسلام یادآور شده است شرایط حاکم بر مراحل بعدی زندگی او به گونه‌ای بوده است که امکان داشت مصداقی از آیه‌ی «وَأَنْتُمْ عَلَيْهِمْ نَبَأُ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخْ مِنْهَا...» باشد (طالبی، ۲۰۰۷، ص ۱).

«عیال الله» آخرین کتاب معنایی و مبنایی طالبی است و حدوداً به ۱۰۰ آیه‌ی قرآن در آن استناد شده است. علاقه‌ی فراوان او برای اسلام‌پژوهشی، ظرفیت فراوان تونس برای حل مشکلات معرفتی معاصر و رایج نبودن روش‌های تحلیل آکادمیک در محافل اسلامی این کشور مهم‌ترین انگیزه‌ی او در توجه به موضوعاتی مانند «القرآن و مقتضیات العصر» است (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۷۰).

بحران فکری حاکم بر تونس در دهه‌ی شصت میلادی که نتیجه‌ی سیاست فرانسوی کردن این کشور بود و آشنایی طالبی با میراث اسلامی و تخصصی که در علوم جدید کسب کرده بود مهم‌ترین شرایطی است که انگیزه‌ی او را برای ایجاد پُل میان زبان عربی و مفاهیم غربی با هدف کاربست روش‌های عصری در نقد علمی تفکر اسلامی برانگیخت (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۲۰). انگیزه‌ی او از نگارش کتاب «لیطمئن قلبی» با حدوداً ۵۰۰ بار استناد به آیات قرآن که غالباً تفسیر کوتاه موضوعی است برقراری ارتباط میان اسلام و مدرنیته با رویکردی بین‌الدینی و نقد سخنان پاپ شانزدهم است.

<sup>۱۰</sup>. Le Bible, le Coran et le Science: Les Écritures Saintes examinées à la lumière des connaissances modernes.

نقد شدید فهم قرآنی نوگرایانی مانند شرفی و حمله به افکار آنها به دلیل تردید در قداست قرآن و تعامل با آن به عنوان متنی بشری از بخش‌های پایانی کتاب است (طالبی، ۲۰۰۷، صص ۳۳-۹۷). «*أمه الوسط*» دیگر کتاب طالبی با استناد به حدوداً ۱۵۰ آیه‌ی قرآن است. انگیزه‌ی او یافتن پاسخ قرآنی برای حل چالش‌های فکری معاصر در جهان اسلام است. او گفته است:

«ما در دوران معاصر زندگی نمی‌کنیم و با زبان این عصر سخن نمی‌گوییم. ما در حاشیه‌ی دوران معاصر هستیم» (طالبی، *أمه الوسط*، ص ۵).

تبیین مفهوم *أمه الوسط* در قرآن و تبیین قرآنی موضوعاتی مانند آزادی دینی و نقد نظریه‌ی تکامل و خوانش تاریخی مقاصدی آیات ۳۴ و ۳۵ سوره‌ی نساء از مهم‌ترین موضوعات این کتاب است (طالبی، ۲۰۰۷، صص ۱۱۵-۱۴۲).

تحصیلات تکمیلی طالبی در فرانسه نقطه‌ی عطف مهمی در زندگی علمی او به‌ویژه درباره‌ی فهم قرآن بود و این فرصت را به او داد تا با روش‌های آکادمیک غربیان در علوم جدید آشنا شود. او در فرانسه با مسیحی، کمونیست، اگزیستانسیالیست و خداناباور زندگی کرد و از نزدیک با روش تحلیل تاریخی لوی پروفنسال<sup>۱</sup>، روش فقه اللغه رژی بلاشر<sup>۲</sup> و چارچوب نظری تصوف اسلامی لوئیس ماسینیون<sup>۳</sup> در کلاس‌های درس دانشگاه سوربن آشنا شد (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۲۹).

وی پیرامون آموخته‌های خود از جریان‌های فکری فرانسه گفته است:

«وجودگرایی به من آموخت که آرمان‌گرایی همه‌چیز نیست بلکه باید چشمان خود را به واقعیت ملموس گشود؛ من خودم را آرمان‌گرا می‌دانم اما با دارویی که (جان پل) سارتر آورد از افراط در آرمان‌گرایی پرهیز کردم؛ افکار زیگموند فروید ما را متوجه این حقیقت کرد که هنگام فکر کردن به چیزی یا نوشتن چیزی از خود بپرسیم این فکر یا نوشته چه اندازه از حقیقت برخوردار است؟ آیا من راست‌گو هستم؟ یا این‌که باطن ناخودآگاه مان ما را به حرکت درآورده است؟» (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۲۵).

<sup>۱</sup> Levi-Provencal

<sup>۲</sup> Regis Blachere

<sup>۳</sup> Louis Massigon

تکیه بر پیوند قرآن و واقعیت‌های محسوس زندگی بشر و تلاش برای نزدیک ساختن قرآن با واقعیت‌ها و عینیت بخشیدن به مفاهیم هدایتی و اصلاحی آن (حاجی اسماعیلی، ۱۳۸۸، ص ۱۲۴) مهم‌ترین درآمد برای شناخت مبانی، روش‌ها و گرایش‌های طالبی درباره‌ی فهم قرآن است.

### ۶. مبانی طالبی درباره‌ی فهم قرآن

طالبی پیرامون مبانی صدور فهم قرآن معتقد است قرآن، کلام الله و مقدس است و اُمت اسلامی سخن خدا را همچنان که نازل شد بدون هیچ تحریفی و با حفظ قلبی، ترتیل و تجوید زبانی و تدوین در مصحف‌ها صیانت کرد (طالبی، ۱۹۹۶، ص ۳۰). او سخن نوگرایانی را که اعتقاد دارند قرآن شفاهی به ما نرسیده بلکه تدوین سیاسی آن به صورت یک «مصحف مدوّن» در زمان عثمان صورت گرفته است مردود می‌داند (طالبی، ۲۰۰۸، صص ۴۸-۵۰).

### ۶-۱. مدرنیته گرای

طالبی پایه‌ی اندیشه‌ی اسلامی مدرن را خروج از «العقلیة السحریة» و رفتن به «العقلیة العُقلائیة» می‌داند و معتقد است «طلبُ الحقیقة، عینُ الحدائث و غایتها» (طالبی، ۲۰۰۸، ص ۱۰). او اعتقاد دارد مدرن بودن یعنی حاکمیت عقل در تفکرات و پذیرش تغییر مدام و نو به نو در هر چیز و ایمان به پیشرفت زندگی در هر حالت (طالبی، ۲۰۰۷، ص ۱۶). وی با توجه به دغدغه‌های ایمانی انسان مدرن تلاش می‌کند تبیینی قرآنی از مسئله‌ی نسبت ایمان و مدرنیته ارائه دهد (Talbi, 2006, p.95). او عقیده دارد ایمان به مدرنیته و پیشرفت با پرسش از نورالله (طالبی، ۲۰۰۷، ص ۲۸) و ایمانی که برخاسته از «اختیاری آزادانه» باشد ممکن است (همو، ۱۹۹۶، ص ۳۸). حساسیت فراوان طالبی به قضیه‌ی اسلام و چالش‌های معاصر مانند چگونگی رابطه‌ی شورا و دموکراسی (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۹۲) او را به این نتیجه رساند «تکون المعاصرة أمّ المعارک» (طالبی، ۱۹۹۶، ص ۶) اما معتقد است مسلمان واقعی می‌تواند با تکیه بر قدرتی که اسلام به او می‌دهد مدرنیته را هضم کند و بدون مرثیه خوانی و دست بردن به أسلحه، انسانی امروزی و مدرن باشد (Talbi, 2014, p 111).

### ۶-۲. متن محوری

طالبی اعتقاد دارد متن قرآن و سنت صحیح رسول الله <sup>(صلی الله علیه وآله)</sup> در تفکر اسلامی قول الفصل هستند و کلام الله مقید به زمان و مکان نیست و ما برای نزدیکی به «حقیقت نص» باید به آیات خوب گوش دهیم و فهمی زنده و معاصر از قرآن داشته باشیم (طالبی، ۱۹۹۶، ص ۷).  
وی معتقد است انسان بما هو انسان و نه نژاد، قبیله و ملیت مخاطب متن قرآن است و ما در متن قرآن فقط در یک مورد با قریش به عنوان قبیله پیامبر <sup>(صلی الله علیه وآله)</sup> روبرو می‌شویم (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۵۷). طالبی با اشاره به آموزش دینی در جهان مدرن معتقد است تعددگرایی در ذات خود چیز جدیدی نیست زیرا قرآن به عنوان متنی که محل تلاقی تأویلات متعدد امت اسلامی است مثال خوبی برای اشاره به پیشینه‌ی تعددگرایی در جهان اسلام است؛ تعددگرایی که تا مرز تناقض صریح میان گرایش‌های گوناگون اندیشه‌ی اسلامی پیش رفته است (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۱۱۸).

### ۳-۶. تأویل پذیری

طالبی با اشاره به قاعده‌ی حق اختلاف و مقبولیت خوانش‌های متعدد از متن قرآن بر آن است با تمسک به «اختلاف معقول» می‌توان از هر ج و مرج در خوانش متعدد قرآن جلوگیری کرد (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۷۱). مثلاً در آیات مرتبط با موضوع امر به معروف و نهی از منکر و فهم‌های عرفی متعدد از آن به مفهوم فطرت به عنوان زبان گویای قرآن استناد و تصریح کرده است معروف یعنی آنچه میان مردم فضیلت است و منکر یعنی آنچه با اخلاق و عادات محیط انسان‌همخوانی ندارد (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۷۷).

### ۴-۶. تقدس زدایی از فهم سلفی

طالبی معتقد است ما به گفتمان دینی تمدنی اقناع کننده‌ای نیاز داریم که از پیروان خود تنها «موتورهای شبیه‌سازی» (اسطوانات محاکاة) تولید نکند بلکه افرادی را تربیت کند که ضمن وفاداری به میراث اندیشه‌ی اسلامی و همراهی با تجدید و تغییر که حرکت تاریخ بر آنها تحمیل می‌کند بتوانند با آزادی و اختیاری که خدا به آنها بخشیده است، اندیشه را از محدودیت‌های نابودکننده‌ی وجدان و توهین‌کننده به کرامت انسان که غالباً در لباس تقدس ظاهر می‌شوند رها سازد (طالبی، ۱۹۹۶، ص ۷).

وی با اعتقاد به این که اسلام دین قبیله‌ی بدوی متحجر در زمان نیست و ارادت ما به سلف به گرمی آن است نه خاکستر آن (طالبی، ۱۹۹۶، ص ۹) از اصطلاح «لغة القداسة» فقط برای قرآن

و شخصیت پیامبر (صلی الله علیه و آله) و نه صحابه استفاده کرده است و با اشاره به کسول بودن برخی از صحابه در خواندن نماز و رفتار نامناسب آنها با پیامبر گفته است:

«سلام بر نخستین پیشی گیرندگان به سوی اسلام از مهاجران و انصار؛ راست‌گویان، مخلصان و نیکوکاران نه منافقان و فاسقان» و با استناد به آیات ۱۸ سوره فاطر و ۲۰۲ سوره انعام معتقد است تقدس بخشی به فهم سلفی در حقیقت نبش قبر کردن یک انسان مرده است» (طالبی، ۲۰۰۷، ص ۲۰۲).

## ۷-۱. روش‌های طالبی در فهم قرآن

طالبی در تفسیر قرآن از روش‌های جدید علوم انسانی مانند معناشناختی، تحلیل تاریخی و انسان‌شناختی در فهم آیات قرآن استفاده کرده است.

### ۷-۱-۱. معناشناختی

مطالعه‌ی آراء قرآنی طالبی نشان می‌دهد او به دنبال ارائه‌ی تفسیری وجودگرایانه از قرآن با محوریت معانی آن است؛ تفسیری که از زیرشاخه‌های تفسیر عصری شمرده شده است. آثار تفسیری بی‌شمار در موضوعات وجودگرایانه از جمله انسان در متن زندگی، آزادی، انتخاب، تفرد، مسئولیت، اضطراب، معنای زندگی و... در دوره‌ی معاصر نشان از تحول اساسی ایجاد شده در سبک تفسیر نویسی و شکل‌گیری گفتمان وجودگرایی در تفسیر و شرح متون دینی دارد (امینی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۸۱).

انسان، تاریخ و معنا سه مفهوم کلیدی منسجم و همپوشان در فهم طالبی از قرآن است. او که تسلط فراوانی به زبان‌های عربی و فرانسه دارد از روش‌های علوم زبانشناسی جدید مانند معناشناسی برای مقایسه‌ی مفاهیم قرآنی و مفاهیم دینی غربی استفاده کرده است؛ مثلاً معانی اُمّت و شورا را با کلمات فرانسوی Nationalité و Nation و La Demo-cratie و La concertation مقایسه کرده است (طالبی، ۲۰۰۶، صص ۳۸ و ۹۱).

او برای کاستن از بار معنایی تاریخی منفی کلماتی مانند «المُلاحِدین» و «المُرتدین» اصطلاحات جدید «النَّفَاتِیَّة» (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۴) و «الإنسلاخسلامیین» را ساخته است (طالبی، ۲۰۰۷، ص ۱۲). طالبی که آشنایی بسیار خوبی با کتب مقدس دارد در روش تفسیری خود به مقایسه‌ی معناشناختی قرآن و کتب مقدس با هدف ایجاد ارتباط میان میراث عربی اسلامی و تمدن غرب توجه کرده است. او جمله‌ی «من آمده‌ام زمین را به آتش بکشم» در انجیل لوقا را با

آیهی «وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ...» (اسراء: ۷۰) مقایسه و اعتقاد دارد تصویر آزادی وجدان مبتنی بر کرامت انسان در انجیل مفقود است (طالبی، ۲۰۰۷، ص ۲۳۸).  
 وی گفته است دین من آزادی است (Talbi, 2014, p9) آزادی معنوی که قرآن در آیه «إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ...» (نحل: ۱۲۰) به آن اشاره و امت را کیان معنوی محضی معرفی کرده است که هیچ مرز جغرافیایی، خونی و نژادی را بر نمی‌تابد (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۳۹).

### ۲-۷. تحلیل تاریخی

تحول در نگرش تاریخی به قرآن با هدف تنزل جایگاه تفسیر نقلی و اهتمام بر کشف قانون‌های حاکم بر تکامل و انحطاط امت‌ها از نگاه قرآن یکی از معیارهای نوگرایی در تفسیر معاصر است (ر.ک: حاجی اسماعیلی، ۱۳۸۸، صص ۱۳۴-۱۳۵). طالبی گفته است به عنوان یک مسلمان در نگارش تاریخ از قرآن متأثر است و از نگاه ابن خلدون برای قرار دادن قضایای دینی در ابعاد تاریخی انسانی آن بهره برده است که نگارش کتاب «Reflexion sur le Coran» از نتایج آن است (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۵۷).

وی از روش تحلیل تاریخی در فهم مفاهیم قرآنی مانند ایمان و امت استفاده کرده است (Talbi, 2006, p29). او با اشاره به تاریخ مفاهیمی مانند کاغذ و اسفار و نقد روایات صحابه به‌ویژه در موضوع تفسیر آیات الأحکام و نادرست دانستن مشروعیت بخشی به فهم قرآنی آنها تلاش کرد کاستی‌های معرفتی موجود در فهم سنت‌گرایان درباره‌ی قرآن را نشان دهد (ر.ک: طالبی، ۲۰۰۷، صص ۵۳-۶۷).

### ۳-۷. انسان‌شناختی

طالبی از ابن خلدون به دلیل گنجاندن «فصل فی الفکر الإنسانی» در کتاب المقدمه به نیکی یاد کرده و گفته است مردم زمان او اهمیت این فکر را نفهمیدند اما ما امروزه در پرتو پیشرفت علوم انسانی و علوم جدید ذهن‌شناسی اهمیت آن را درک می‌کنیم (طالبی، ۲۰۰۷، ص ۱۸). وی از علوم انسان‌شناسی برای تفسیر مفاهیمی مانند فطرت و تفسیر آیاتی مثل آیه‌ی ۱۷۲ سوره‌ی اعراف (طالبی، ۱۹۹۶، ص ۴۴) و تبیین موضوعاتی مانند آزادی دینی را از منظر حقوق انسان استفاده کرده است (همو، ۱۹۹۶، ص ۳۲). او با تدبر در مقاصد الله از آفرینش انسان در قرآن تلاش کرد تصویر انسان نمونه را ترسیم کند (طالبی، ۲۰۰۷، صص ۱۴۷-۱۵۰). او که نگاهی انسان‌شناختی به مفهوم اجتهاد دارد با استناد به آیه‌ی «...وَقُلْ رَبِّ زِدْنِي عِلْمًا» (طه: ۱۱۴) انحصار

اجتهاد در بین عالمان را نادرست دانسته و بر آن است اجتهاد مفهومی پاک است که هر انسانی باید در زندگی داشته باشد (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۴۶).

اثرپذیری از شک گرایی غزالی (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۳۷) و زندگی در محیط شک گرای غالباً دکارتی فرانسه او را به سوی کاربست روش اقتناع انسان و نه اجبار او برای فهم حقیقت سوق داد.

او می گوید:

«حقانیت قرآن برای من ثابت شده است اما می خواهم چگونگی قانع شدن

خود را توضیح دهم» (طالبی، ۲۰۰۷، ص ۱۰).

### ۸. گرایش های طالبی در فهم قرآن

قرآن پژوهان ایرانی گرایش های نوین در تفسیر معاصر را به چهار نوع گرایش علمی، اجتماعی، اصلاحی، مادی و همه نگری تقسیم کرده اند و در توضیح رویکرد اجتماعی اصلاحی به درستی اظهار کرده اند که مصلحان مسلمان درمان درد خودباختگی، خودفراموشی، رخوت، گسستگی، بی دانشی و استبداد پذیری جوامع اسلامی را در شفای بازگشت به قرآن جست و جو کردند و با نگاه و نیازی جدید به آستان بلند قرآن و آیات الهام بخش آن روی آوردند (ر.ک: حاجی اسماعیلی، ۱۳۸۸، صص ۱۲۰-۱۲۷). محیط اسلامی خانواده ی طالبی و تحصیلات آکادمیک او در فرانسه گرایش های متعددی را در ذهن او برای فهم حقیقت قرآن با هدف اصلاح گرایی و بازخوانی میراث اسلامی ایجاد کرد که مهم ترین آن عقلی- فلسفی، اومانستی و اشتراقی است.

#### ۸-۱. عقلی - فلسفی

طالبی، ابن خلدون را به دلیل اولویت دادن به تجربه ی حسی در شناخت حقائق، شجاعت علمی در نقد اندیشه ها و توجه به مسائل روز جامعه آن هم در دورانی که آخرت گرایی شغل شاغل اکثر عالمان بود «رهبر عقل و مدرنیته» نامیده است؛ مدرن بودن در توانایی رهایی از میراث (طالبی، ۲۰۰۷، صص ۱۶ و ۲۱). طالبی که بی تردید در دوران زندگی خود دچار بحران شک شده است با تکیه بر تجارب صوفیانه و اثرپذیری از روش های عقل گرایان فرانسه به «قضیه ایمان» با رویکردی قرآنی توجه کرد و نام کتاب خود را با تأسی به سخن حضرت ابراهیم (علیه السلام) در آیه ی ۲۶۰ بقره «لیطمئن قلبی» نامید. او اعتقاد دارد ایمان به الله در قلب هر انسان حداقل در سطح پرسش وجود دارد و رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) ما را به شک کردن مستحق تر از ابراهیم (علیه السلام) دانسته است (طالبی، ۲۰۰۷، ص ۶).



## ۸-۲. اومانستی

پژوهشگران قرآنی ایرانی، نقش اومانیسم را در شکوفایی رویکرد وجودگرا در تفسیر مورد بررسی قرار داده‌اند؛ آنها اعتقاد دارند جریان اومانیسم آخرین مورد از جریانات سیاسی-اجتماعی مؤثر در پیدایش و گسترش رویکرد وجودگرایی است و وجودگرایی به مثابه نمونه‌ای از اومانیسم مدرن محسوب می‌شود و درحقیقت یکی از روایت‌های اومانیسم مدرن، اومانیست اگزیستانسیالیستی است (امینی و دیگران، ۱۳۹۸، صص ۸۷-۸۸).

طالبی اعتقاد دارد فکر، تأمل در انسانیت انسان «أونسه الإنسان»<sup>۱</sup> است؛ تأملی که مجردسازی «التجريد»<sup>۲</sup> و تصور<sup>۳</sup> ابزار آن است و انسان را از حیوان جدا می‌کند (طالبی، ۲۰۰۷، ص ۱۸). وی که از «حساسیت انسانی» فراوانی برخوردار است کرامت خود را به عنوان یک انسان تونسی در تاریخ انسانیت می‌بیند (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۵۹) و در آثار خود به آیات قرآن برای توضیح ضرورت برخورداری فرد مسلمانان از روحیه‌ی پرسشگری استناد کرده است (طالبی، ۲۰۰۶، صص ۴۳-۴۶). طالبی موضوع «اسلام و پرسش‌های سخت» را پیامد وضعیت اسلام در جهان مدرن تعددگرا دانسته و با تأمل در مفهوم ایمان در قرآن به تعددی الطبع بودن انسان و آزادی او و در نتیجه طبیعی بودن حق تعدد و اختلاف معتقد است (طالبی، ۲۰۰۷، ص ۶۴).

## ۸-۳. استشرافی

طالبی در آثار خود رویکرد مستشرقان در فهم قرآن (Talbi, 2006, p 60) و نیز تلاش برخی از آنها را برای ارائه‌ی تصویری نادرست از حضرت محمد (ص) نقد کرده است (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۶۵). او با سپاس از استادان مستشرقی که او را در گذر از اعتقاد سطحی به اعتقاد عمیق یاری رسانده‌اند گفته است:

«تصوفی که ما در منزل داشتیم فقط اذکار و اُوراد بود و با پژوهش عمیق و آکادمیک همراه نبود؛ اما آنچه را در نزد ماسینیون دیدیم فلسفه‌ی تصوف همراه با تحلیل گسترده‌ی آن بود» (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۳۲).

1. Hominisation

2. Abstraction

3. Conceptualisation

## ۹. نمونه‌های تفسیری از برخی آثار طالبی

طالبی تفسیری جامع بر قرآن نوشت اما در بسیاری از آثار خود در مقام استناد یا استشهاد از آیات قرآن استفاده کرد. برخی از مهم‌ترین موضوعات و تفسیر آیات مرتبط با آن در تألیفات طالبی به شرح زیر است:

### ۹-۱. قرآن و مدرنیته

طالبی عقیده‌ی خود را «ایمان به مدرنیته و پیشرفت» اعلام کرده است، اما از پژوهشگران مسلمانی که تلاش می‌کنند مدرنیته را در جوامع مسلمان بر پایه‌ی بریدن از اسلام استوار سازند با تعبیر «الإنسلاخسلامیة» یاد کرده است؛ تعبیری که برای ساخت آن از آیه‌ی «وَأَنْتُمْ عَلَيْهِمْ نَبَأُ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخْ مِنْهَا...» (اعراف: ۱۷۵) استفاده کرده است (طالبی، ۲۰۰۷، صص ۲۸؛ ۳۳). تجدید و تغییر دو مقوله‌ی مهم در فهم مدرن طالبی درباره‌ی قرآن است. او در تفسیر آیه‌ی «أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا» (فرقان: ۲۵) با استشهاد به حدیث امام علی (علیه السلام) که فرمودند: «عَلِّمُوا أَبْنَاءَكُمْ غَيْرَ مَا تَعَلَّمْتُمْ فَإِنَّهُمْ خُلِفُوا لِرِزْمَانٍ غَيْرِ زَمَانِكُمْ» اعتقاد دارد:

*«باید از تغییر و نو شدن افکار استقبال کنیم و این انقلاب سازنده را مبارک بدانیم زیرا تغییر در مسیر سنت الهی است؛ اگر خداوند اراده می‌کرد می‌توانست هستی را ساکن و بدون حرکت قرار دهد؛ حال آن‌که تمام جهان آفرینش در حال حرکت و دگرگونی است؛ پس ما باید امری زندگی کنیم و با ایمان و اخلاص به سوی نور الله حرکت کنیم؛ ایمانی شادی بخش و بدون آه و حسرت و اشک؛ همچنان که آیه‌ی ۳۲ سوره‌ی اعراف فرموده است: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ آمَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ...» (طالبی، ۱۹۹۶، ص ۸).*

طالبی اعتقاد دارد اسلام به عنوان یک رسالت جهانی توانایی هضم مدرنیته را دارد و یک مسلمان بدون هیچ اضطراب و تردیدی می‌تواند مدرن و عصری بودن را در «صراط مستقیم» قرآن جستجو کند (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۱۱۳).

### ۹-۲. قرآن و آزادی دینی

علاقه‌ی طالبی به آزادی دینی به‌اندازه‌ای است که برای یکی از تألیفات فرانسوی خود عنوان «دین من آزادی است» را انتخاب کرده است. او در ذیل آیه‌ی «وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَنْ فِي الْأَرْضِ كُلُّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ تُكْرِهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ» (یونس: ۹۹) آزادی دینی را حق انسان دانسته است (Talbi, 2014, pp45-71).

وی اعتقاد دارد آیات ۱ تا ۵ سوره‌ی بقره شناسنامه‌ی یک مسلمان است و با استناد به آیاتی مثل «لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ...» (بقره: ۲۵۶)، و «وَسَخَّرَ لَكُم مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ...» (جاثیه: ۱۴-۱۵) اسلام را دین آزادی و طبیعت ایمان را مخالف اکراه و اجبار دانسته است؛ دینی که عقیده‌ی آزاد قلبی، شهادت زبانی و عمل با جوارح از برجسته‌ترین مشخصه‌های آن است. او نوگرایانی را که تلاش می‌کنند اسلام را از جایگاه دین آزادی به مرتبه‌ی هویتی تاریخی و میراثی تاریخی تنزل دهند عاری شدگان از اسلام می‌خواند؛ کسانی که قرآن را عملی بشری می‌دانند و به قداست زدایی از آن می‌پردازند (طالبی، ۲۰۰۷، صص ۳۵-۳۸).

### ۳-۹. قرآن و نهاد رسمی دین

پژوهش‌های قرآنی پیرامون رویکردهای نوین تفسیری نشان داده است دین دو بُعد مهم دارد که یکی به نام «دین» و دیگری به نام «شریعت» معروف است. از نظر قرآن مناسک و تشریفات دینی اصل و حقیقت دین نیست بلکه وجهی ظاهری و بیرونی دین است و روح دین چیزی مافوق این مناسک است و نزاع‌ها برخاسته از شریعت و مقتضیات شرایط بوده است (رضی خان، ۱۳۸۷، ص ۱۹۴).

طالبی با اشاره به هلخه (Halakhah) در دین یهود که کار ربیین (فقیهان یهود) است و نسبت آن به تورات مانند نسبت شریعت به قرآن و سنت در اسلام است درباره‌ی آیه‌ی «فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لِيَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ...» (بقره: ۷۹) اعتقاد دارد این آیه هشدار خداوند به ما جهت جلوگیری از تکرار اشتباه یهودیان یعنی نشانیدن سخنان ربیین به جای سخن خدا است و متأسفانه مسلمانان به این هشدار توجه نکردند و سخنان فقیهان را جایگزین کلام الله کردند.

وی با استناد به سخن مالک بن انس (۱۷۹د) که با اشاره به قبر پیامبر رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) گفته است: «كُلُّكُمْ مُخْطِئٌ إِلَّا صَاحِبَ هَذَا الْقَبْرِ» گفته است ما در اسلام «کرسی رسولی» نداریم و فرد یا نهادی حق ندارد خود را سخنگوی اسلام بخواند و تنها فهم خویش از قرآن را درست

بداند بلکه همه باید اختلاف معقول را بپذیرند و با رعایت تسامح به هم احترام گذارند (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۷۱).

طالبی خود را نه عالم دینی بلکه مفکر مسلمان قرآنی می‌داند که فقط به قرآن و «ما وافقه سنه رسول الله» ایمان دارد و علم الشریعه (فقه) را چون دانشی بشری است و شافعی آن را تأسیس کرده است قبول ندارد؛ بنابراین در سال‌های پایانی عمر و در مصاحبه‌های رادیویی و تلویزیونی صریحاً اعلام کرد به عنوان یک فرد مسلمان و نه یک مفتی با تدبیر در آیات قرآن فهمیده است شرب الخمر در قرآن حرام نیست. او با استشهاد به آیات: «وَمِنْ تَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا وَرِزْقًا حَسَنًا...» (نحل: ۶۷)، «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالِدُومٌ وَالْحُمُورُ...» (مائدة: ۳) و «...إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رَجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ» (مائدة: ۹۰) اعتقاد دارد شرب الخمر را نه قرآن بلکه اهل شریعت یعنی مفتیان حرام کرده‌اند؛ قرآن فرموده است اجتناب کنید و من به عنوان یک مسلمان به این أمّ الخبائث نزدیک نمی‌شوم (www.diwanfm.net).

#### ۹-۴. مسئله‌ی تعدد زوجات

خوانش تاریخی و نگاه مقاصدی به آیات مرتبط با جایگاه زن در قرآن نمونه‌ای دیگر از تفسیر موضوعی در آثار طالبی است. او تحت تأثیر افکار اصلاح‌گرایانی مانند طاهر حداد (۱۹۳۵) دانش‌آموخته‌ی زیتونه و مؤلف کتاب «مرأتنا فی الشریعه والمجتمع» (۱۹۲۹) و در پاسخ به افکار توهین‌آمیز اسلام‌پژوهانی مانند Ghassan Ascha (متولد ۱۹۴۸) استاد سوری دانشگاه اطیش در کتاب «از جایگاه فرومایه‌ی زن در اسلام»<sup>۱</sup> و نیز هم صدا با بانوان نوگرایی مثل فاطمه مرینیس مراکشی به تبیین قرآنی مسائل معاصر مثل تساوی حقوق زن و مرد، تعدد زوجات و کودک همسری پرداخته است.

طالبی در تفسیر آیه‌ی «...فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَى وَثُلَاثَ وَرُبَاعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً...» (نساء: ۴) گفته است:

«تعدد زوجات نه قضیه‌ای اسلامی دینی بلکه قضیه‌ای بیولوژی با ریشه‌های حیوانی است و این آیه چندهمسری را نه حرام نکرده و نه واجب بلکه فقط آن را به عنوان مباحی پیشگیرانه برای جلوگیری از انحرافات جنسی مثل زنا توصیه کرده است» (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۱۲۵).

<sup>۱</sup>. Du statut inférieur de la femme en Islam (۱۹۸۷)

## ۹-۵. مسئله‌ی زدن زن

طالبی در تفسیر آیات مدنی ۳۴ و ۳۵ سوره‌ی نساء به‌ویژه «...وَاضْرِبُوهُنَّ...» پس از تبیین تاریخی، انسانی، اجتماعی و روانی محیط نزول این آیات و بیان این واقعیت که ادب کردن زن با زدن منحصر به اسلام نیست بلکه در بسیاری از تمدن‌ها و فرهنگ‌ها وجود دارد و بزرگان مسیحیت گفته‌اند مرد رئیس زن است کلید فهم آیه‌ی «الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ... وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا» (نساء: ۳۴) را این‌گونه توضیح داده است:

«این آیه در سال سوم هجرت در مدینه نازل شد؛ محیطی که در آن زمان به دلیل برخورد دو فرهنگ مکی و مدنی با یکدیگر به مرحله‌ی انفجار رسیده بود؛ زدن زن بلکه زنده به گور کردن دختران در فرهنگ مهاجران مکی امری عادی بود اما حمایت از حقوق زنان یکی از جنبش‌های فعال در یشرب بود؛ رسول الله (صلی الله علیه و آله و سلم) مردان را از زدن زنان نهی می‌کرد اما برخی از یاران آن حضرت به‌ویژه عمر بن خطاب طرفدار سخت‌گیری به زنان بودند؛ نزول آیات مذکور موجب ایجاد تعادلی واقع‌گرایانه میان دو فرهنگ بود و فشارهای روانی اجتماعی مهاجرین و انصار را کاهش داد... بنابراین زدن زن در این آیه مباح مکروه است؛ مباحی که ارتباطی تنگاتنگ با شرایط تاریخی معین آن دارد و با منتفی شدن این شرایط حکم آن هم از بین می‌رود. فایده‌ی این آیه برای ما خوانش مقاصدی قرآن یعنی مقوله‌ی واقع‌گرایی است» (طالبی، ۱۹۹۶، صص ۱۱۵-۱۳۷).

## ۹-۶. وحدت روحانی اُمت اسلامی

طالبی در تفسیر آیات «إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ» (انبیاء: ۹۲) و «وَأَنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ» (مؤمنون: ۵۲) با اشاره به معنی مشترک اُمت در زبان‌های سامی، اُمت قرآنی را وحدت روحانی انسان‌ها با محوریت عبادت و تقوی دانسته است (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۳۸).



«أمة الوسط» در ذهن طالبی از جایگاه مهمی برای گسترش فرهنگ میانه‌روی و مدارا و مبارزه با خوانش تکفیری جریان‌های افراطی از قرآن برخوردار است. او در تفسیر آیه‌ی «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتُمْ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعَ الرَّسُولَ مِمَّنْ يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ...» (بقره: ۱۴۳) «أمة الوسط را امتی تاریخی، واقعی و ملموس دانسته است که شناسنامه‌ی زمینی آن «قانون مدینه» هست.

او اعتقاد دارد دلیل اصلی تغییر قبله چالش میان پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله وسلم) و یهودیان مدینه نبوده است بلکه این تغییر یک برنامه‌ریزی الهی برای سنجش ایمان مسلمانان و خارج کردن دعوت ابراهیمی از چارچوب اسرائیلی و اعلام آن به عنوان دعوتی در سطحی جهانی توسط رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) بوده است (طالبی، ۱۹۹۶، صص ۱۱-۲۶).

#### ۷-۹. قرآن و سیاست دینی

طالبی با تحلیل تاریخی حرکت‌های سیاسی در جهان اسلام و اشاره به استفاده‌ی ابزاری حاکمان از دین اعتقاد دارد وحدت سیاسی امت اسلامی توهمی بیش نیست و از زمان فتنه‌ی بزرگ پس از رحلت رسول الله (صلی الله علیه وآله وسلم) تا امروز تحقق نیفتاده و نخواهد افتاد؛ او با اعتقاد به این مبنا که «لا توجد قاعدة دينية لمشروع سياسي» بهترین نظام حکومتی را نظامی می‌داند که به انسان احترام بگذارد (طالبی، ۲۰۰۶، صص ۱۰۹-۱۰۱). وی با تأسی به افکار ابن خلدون در سیاست و تعبیر او مانند «سیاسة عقلیة» (سیاست لائیک) و «مفروضه من الله» (سیاست دینی) معتقد است سیاست دینی ریشه در طبیعت انسان بما هو انسان ندارد و امت‌های گوناگون آن را نمی‌شناسد (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۱۱۴).

#### ۸-۹. قرآن و نظام سیاسی

طالبی با نگاهی فلسفی به آیه‌ی «... كُلُّ فِي فَلَكٍ يَسْبِخُونَ» (یس: ۴۰)، تأملی معنانشناسانه در کلمه امانت در آیه‌ی «إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ...» (احزاب: ۷۲) و استناد به آیه‌ی «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ...» (نحل: ۹۰) اعتقاد دارد گرچه جهان هستی برنامه‌ریزی شده است اما انسان تنها موجود برخوردار از «اختیار مسئولانه» است که پیش از آن‌که به معنای شرعی فقهی «مکلف به کاری» باشد موجودی مختار و دارای آزادی اختیار است (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۹)؛ بنابراین هر نظام سیاسی که این اهداف را محقق سازد و امت با اختیار و نه اجبار از آن راضی باشد نظامی هماهنگ با نص قرآن است؛

نظامی که حکام آن با توجه به آیهی «...وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...» (آل عمران: ۱۵۹) حق استبداد در رأی را ندارند (همو، ۲۰۰۶، ص ۷۴).

### ۹-۹. قرآن و دموکراسی

طالبی مانند مالک بن نبی (۱۹۷۳د) و علال الفاسی (۱۹۷۴د) مفکران مسلمان مغرب و الجزایر که پروژه‌ی تطبیق مفاهیم قرآنی را بر مفاهیم سیاسی مدرن دنبال می‌کردند مفهوم شورا در قرآن را با مفهوم دموکراسی در غرب مقایسه کرده است. وی در تفسیر آیات «فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ الْقَلْبِ لَانْتَفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ...» (آل عمران: ۱۵۹) و «...وَأْمُرْهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ...» (شوری: ۳۸) با اشاره به تاریخ کاربرد شورا پیش از اسلام و دوران نبوی و نیز مشابه آن در میان قبائل بربر تونس گفته است:

«شورا یک ارزش انسانی جهانی است؛ قرآن، قانون اساسی نیست زیرا اگر این‌گونه بود با گذشت زمان می‌پوسید؛ قرآن به اُمت اسلامی آزادی و مسئولیت تشاور را با توجه به شرایط هر جامعه داده است... و ما معتقدیم امروزه دموکراسی غربی با قرآن و سنت تعارضی ندارد و همین کافی است» (طالبی، ۲۰۰۶، ص ۹۱).

### ۱۰-۹. قرآن و گفتگوی ادیان

وجود روحیه‌ی مسامحه در تصوف که از این جهت با انسان‌گرایی حاکم بر غرب مشترک است موجب شده است تا برخی از مفسران معاصر، عرفان و تصوف را به عنوان بهترین راه ارتباطی گفت‌وگوی اسلام و غرب قرار دهند (امینی و دیگران، ۱۳۹۸، ص ۹۸). طالبی در ذیل آیهی «لَا يَنْهَاكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقَاتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ يُخْرِجُوكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ أَنْ تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ» (ممتحنه: ۸) آورده است:

«ما به همه‌ی ادیان احترام می‌گذاریم و پیروان آن را دوست داریم اما نظر خود را نه به نیت دشمنی بلکه برای قانع کردن می‌گوییم» (طالبی، ۲۰۰۷، ص ۲۵۴).

وی از «اندیشه‌ی اسلامی و گفتگو» با عبارت «لاهورت الحوار» یاد کرده است و با آوردن آیهی «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسِكُمْ لَا تَضُرُّوهُمْ مَنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَبِئْسَ كُفْرًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ» (مائده: ۱۰۵) توضیحات مفصلی پیرامون پیدایش مسیحیت و عقاید این دین بر پایه‌ی منابع مسیحی ارائه داده است. نگاه با استناد به آیهی ۸۲ و آیات ۱۵۶ تا ۱۵۹ سوره‌ی نساء اعتقاد دارد اگر مسیحیت به گفته‌ی پژوهشگران مسیحی نه دین کتاب الله بلکه دین کلمه الله

است اما او با خوانشی قرآنی به این نتیجه رسیده است که دین مسیحی در حقیقت دین اسرار غیرعقلانی است و از تناقضات درونی فراوانی رنج می‌برد و او این نظر را با کمال احترام در نشست‌های علمی مشترک با مسیحیان مطرح کرده است (طالبی، ۲۰۰۷، صص ۲۵۲-۲۸۹).

طالبی با رسم جدول درگیری میان مسیحیت و اسلام از سال ۶۲۲ یعنی هجرت پیامبر اسلام (صلی الله علیه و آله) به مدینه، تا سال ۲۰۰۷ یعنی شکست بیشتر جنبش‌های دموکراسی در جهان عرب، گفته است:

«آینده در دستان ما قرار دارد؛ ما امروز در پیچ (تاریخی) مهم و حساسی هستیم؛ اینسلاخ‌سلامی‌ها به نیش قبر اسلام پرداخته‌اند و سلفی‌ها نجات را در بازگشت به سلف صالح می‌بینند اما من پیروزی را در ترک همه‌ی مذاهب می‌بینم؛ شریعتی که این مذاهب تشریح کرده‌اند برای زمان ما الزام‌آور نیست زیرا ساخته‌ی بشر است؛ بازگشت به کتاب الله راه نجات است؛ کتابی که با خوانش در زمان و مداوم پیش برنده‌ی ما به سوی آینده باشد نه سوق دهنده به سمت سلفیت؛ خوانشی موافق با سنت رسول الله (صلی الله علیه و آله) و در مسیر نورالله» (طالبی، ۲۰۰۷، ص ۲۸۹).

### نتایج تحقیق

جریان نوگرایی فهم قرآن در تونس معاصر از فعال‌ترین کانون‌های نظریه‌پردازی در جهان اسلام است و مانند جریان سنت‌گرای این کشور از ظرفیت فراوانی برای پژوهش برخوردار است. طالبی در روش تفسیری خود به دنبال دستیابی به بینشی مدرن از قرآن بود؛ بینشی که بخش ایمانی انسانی آن متأثر از محیط زندگی صوفیانه و بخش عقلی - فلسفی آن نیز تحت تأثیر جریان‌های فکری علمی اروپا به‌ویژه روش‌های تحلیل تاریخی رایج در محافل اسلام‌پژوهی فرانسه بود.

«قرآن و مقتضیات عصر» عنوان کلی تلاش فکری او در فهم قرآن است که انسان‌گرایی، آزادی دینی و گفتگوی ادیان مهم‌ترین شاخص‌های آن است. او در آثار متعدد عربی و فرانسوی خود به‌ویژه: «عیال الله»، «لیطمئن قلبی» و «أمه الوسط» تلاش کرد تفسیر قرآن را با روشی ارائه کند که هم فاصله‌ی آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی را برای انسان مسلمان معاصر کاهش دهد و هم پاسخی قرآنی به دغدغه‌های وجودی انسان مدرن باشد.

اعتقاد طالبی در سال‌های پایانی عمر خود به حرام نبودن شرب الخمر در قرآن و حرام نبودن روسپیگری (البغاء) به عنوان یک شغل را باید در راستای اعتماد صرف او به قرآن، نیافتن



استنادات قرآنی و نظریه‌ی او در ضرورت إلغاء الشریعۀ دانست؛ اظهار نظرهایی که با مخالفت شدید سنت‌گرایان روبرو شد.

### کتاب‌نامه:

#### قرآن کریم.

- ابن عاشور، محمد طاهر (۱۹۷۱)، *تفسیر التحریر و التنویر*، تونس: الدار التونسیه للنشر.
- امینی، مریم؛ حمیدیان، حمید؛ زارع زردینی، احمد؛ علوی، فخرالسادات (۱۳۹۹)، «تحلیل عوامل شکوفایی تفسیر وجودی در دوره‌ی معاصر»، *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*، سال سیزدهم، شماره ۲، صص ۸۱-۱۰۶.
- حاجی اسماعیلی، محمدرضا (۱۳۸۸)، «نوگرایی در دانش تفسیر و بررسی دلایل آن»، *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*، سال دوم، شماره ۲، صص ۱۱۹-۱۴۰.
- رضی خان، جعفر (۱۳۸۷)، «رویکردهای نوین تفسیری در شبه قاره هند؛ نقد و بررسی تفسیر «ترجمان القرآن»، *دوفصلنامه مطالعات قرآن و حدیث*، سال دوم، شماره ۱، صص ۱۸۳-۲۰۰.
- طالبی، محمد (۲۰۰۶)، *عیال الله أفكار جدیدة فی علاقة المسلم بنفسه و الآخرين کیف یجدد العقل الإسلامی و عیه بنفسه و بمحیطه العالمی*، تونس: سراسر للنشر.
- طالبی، محمد (۱۹۹۶)، *أمة الوسط الإسلام و تحدیات المعاصرة*، تونس: سیراس للنشر.
- طالبی، محمد (۲۰۰۷)، *لیطمئن قلبی الجزء الأول: قضیة الإیمان*، تونس: سراسر للنشر.
- عبدالسلام، احمد (۱۹۹۴)، *المدرسة الصادقیة و الصادقیون*، تونس، بیت الحکمة.
- عصمتی بایگی، سید حسن (۱۳۹۵)، *جامعه و فرهنگ تونس*، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- عصمتی بایگی، سید حسن و دیگران (۱۳۹۱)، *تصوف در شمال آفریقا*، تهران: انتشارات بین‌المللی الهدی.
- ناصری طاهری، عبدالله (۱۳۷۵)، *مقدمه ای بر تاریخ سیاسی اجتماعی شمال آفریقا از آغاز اسلام تا ظهور عثمانیها*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات
- ولد اباه، عبدالله السید (۱۳۹۶)، *دانشنامه متفکران معاصر عرب*، قم: دانشگاه مفید.
- Talbi, Mohamed (2009), *L'islam n'est pas voile, il est culte. Rénovation de la pensée musulmane*, Tunis: Carthage.

- Talbi, Mohamed (2014) *Ma RELIGION c'est la LIBERTE, L'ISLAM ET LES DEFIS DE LA CONTEMPORANEITE*, Traduit de l'arabe par Dr.Mohamed Salah Barboushe, Tunis: Edition Nirvana.
- Talbi, Mohamed (2006) *PLAIDOYER POUR UN ISLAM MODERNE*, Tunis: Cérés Edition.
- Talbi, Mohamed (2011) *Afin que mon cœur se rassure : La question de la foi*, Tunis: Nirvana.
- Taji-Farouki, Suha, (2004) *Modern Muslim Intellectuals and the Qur'an*, Oxford University Presse.